

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

فرستنده: سازمان انقلابی افغانستان

۰۷ اکتوبر ۲۰۱۲



اعلامیه مشترک

در برابر اشغالگران (امریکائی و ناتوی)،

دولت دست نشانده و جنگ ارتجاعی طالبان بایستیم!

هفتم اکتوبر امسال، دقیقاً یازده سال از روزی می گذرد که غارتگران غربی به سردمداری امپریالیست های خونریز امریکائی، به بهانه های واهی، ولی به غرض اشغال کشور ما، لشکر کُشت و کُشتار و بمباردمان را به جان زحمتکشسان بلاکشیده ای میهن ما، اعم از زن و مرد، رها کردند. ویرانگری، چپاول، فرو ریختن سقف و بام بر سر مردم و حاکمیت سفاک ترین عناصر بر سرنوشت مردم با زورگویی و تجاوز به نوامیس از مشخصه های این دوره بوده است. در این یازده سال هزاران هموطنان محروم ما در دهات در بمباران ناتو و امریکا جان های خویش را از دست دادند و صدها تن دیگر نیز کارد طالبان را بر گلوی خویش احساس کردند. در شهرها نیز زنجیری از اختطاف، انتحار، خودکشی، خودسوزی، از خودبیگانگی، مواد مخدر، فساد اداری و... دست و پای مردم را به خود پیچیده است.

تنها دو هفته قبل هشت زن هموطن ما در ولسوالی علیشنگ ولایت لغمان در بمباردمان ناتو کشته شدند. اینها که در هنگام جمع آوری هیزم بمب ناتو بر سرشان فرود آمد، از محروم ترین افراد جامعه بودند که بار محرومیت های اقتصادی را به دوش می کشیدند و بالاخره در آتش بمب های ناتو خاکستر شدند. این یکی از صدها موردی است که زنان و اطفال و دهقانان افغان در عملیات نظامی اشغالگران کشته می شوند؛ عملیات نظامی که صدها قریه در سراسر کشور ما را به ویرانه تبدیل کرده است. هکذا روزی نیست که بخش هائی از مردم شهرهای بزرگ و کوچک به خون کشیده نشوند.

با گذشت یازده سالی که از هجوم امریکا به افغانستان می گذرد، و با طولانی شدن جنگی که نمی تواند عواقب آن را پیش بینی کنند، کشورهای کوچک اروپائی همدست امریکا آهسته آهسته بساط خود را از افغانستان جمع می کنند؛ اما امریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان با گذشت هر روز پایه های اشغال در وطن ما را مستحکم تر می نمایند. این سردهسته های اشغالگران پایگاه های وسیع برای استقرار هزاران عسکر و نصب پیشرفته ترین تجهیزات نظامی در بگرام، قندهار، شیندند، مزار، هلمند و ده ها محل در مشرقی ایجاد کرده اند. امریکا، افغانستان را از یک سو به آزمایشگاه تسلیحات خود بدل کرده است و از طرف دیگر میهن ما را همچون سپر در برابر رقبای آسیائی خود به کار می برد.

دولت دست نشانده و پوشالی کابل هم با انجام خوشخدمتی به باداران ناتو و به خصوص امریکائی، معاهده ننگینی را به نام پیمان ستراتژیک در تاریکی شب به امضاء رسانید تا به زعم خود به اشغال کشور ما وجهه «قانونی» داده باشد. اما اشغالگران به خوبی می دانند که نه لویه جرگه های مشورتی و نه پیمان های ستراتژیک پیش از آنها به داد متجاوزین بریتانیائی و شوروی رسید و نه هم اینبار متجاوزان امریکائی و متحدان شان را نجات خواهد داد. هر چند هم که اشغالگران با گذشت هر روز بر وسعت و استحکام پایگاه های نظامی خود علاوه کنند. از طرف دیگر، در مدت کمتر از چند ماه که از امضای این سند ننگین می گذرد، این معاهده شوم مایه سرافکندگی مضاعف دولت دست نشانده کرزی و جنایتکاران ائتلاف شمالی اش گردیده است.

از سوی دیگر دولت غیر مردمی پاکستان که بیش از نیم قرن حافظ منافع امریکا در منطقه است، مناطقی را در ولایات کنر، نورستان و ننگرهار زیر آتش شدید توپخانه گرفته، که سبب کشته شدن ده ها تن و بی جا شدن صد ها هموطن ما گردیده است. در حالی که امریکا نسبت به زاری و تضرع دولت کرزی بی اعتنا مانده است، دو نوکر گوش به فرمان امریکا در مقابل همدیگر قرار گرفته اند و امریکا هر طور که خواسته باشد می تواند از این وضعیت بهره برداری کند. اما امریکا و همدستان غربی اش در تجهیز و تقویه اردوی اجیردر افغانستان به مثابه ابزار دست شان، شب از روز نمی شناسند و حداقل ۱۵ میلیارد دالر را طی یازده سال گذشته برای سر پا ایستاد کردن این اردوی اجیر حیف و میل کرده اند. اردوئی که از سوی جنرالان و افسران دستچین امریکا رهبری می شود هر لحظه حاضر و آماده است که علیه مردم و خاک خود عمل کند؛ اردوئی که درس «دفاع» از میهن را از مشاوران امریکائی متجاوز به میهن شان یاد می گیرند!!

اشغالگران امریکائی در ظاهر از سال ۲۰۱۴م و خروج نیروهای شان صحبت می کنند، اما سرشت جنگ افروزانه و ادامه بحران اقتصادی پنج سال اخیر سبب گردیده که ملیناریزم و جنگ افروزی بیش از هر زمان دیگر به مثابه بدیلی برای رشد اقتصاد بیمار و بحران زده اش شود. به همین دلیل پالیسی سازان امریکائی تا آخرین حد می کوشند با تقویت بنیادگرایی در منطقه ما، شرق میانه و قسمت هائی از افریقا آتش جنگ را در کشورهای بیشتری برافروزند تا بازار های بیشتری برای مصرف تسلیحات خود دست و پا کنند. همانطور که تاریخ سایر کشور های امپریالیستی نشان داده است، بحران اقتصادی امریکا را نه تنها ضعیف، بلکه همچنان هارتر کرده است.

محرومان و ستمدیدگان جامعه ما در حالی قربانی جنگ افروزی امریکا در افغانستان هستند که نیروی کور، جاهل و وابسته طالبان به نام «مقاومت» در برابر اشغالگران تنها به تمدید عُمر و توجیه اشغال در افغانستان کمک می کند. اشغال کشور ما از سوی امریکا با نصب دولت دست نشانده کرزی و کلیه مرتجعین همراهش بر قدرت پوشالی، که بدون حمایت امریکا چند روزی هم نمی تواند دوام بیاورد، و ماهیت ضد انسانی طالبان که جمعی از هموطنان ما را به گروگان گرفته اند، دو روی یک سکه اند که بقای هر یک در گرو بقای دیگری است. امریکا به

نام سرکوب تروریسم به اهداف ستراتیژیک خویش دست می یابد و طالبان به نام «مقاومت» و با انفجار و انتحار از مردمی انتقام می گیرند که سالهاست دست رد بر سینه حاکمیت جهالت و تاریک اندیشی شان زده است.

سازمان انقلابی افغانستان و سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما- ادامه دهندگان) دو تشکل انقلابی اند که اعضایش در برابر اشغالگران سوسیال امپریالیزم شوروی رزمیده اند. آنها با تجربه مستقیم شان می دانند که قربانی و جان نثاری زحمتکشان افغانستان، و به خصوص دهقانان افغانستان، در راه کسب استقلال میهن از اشغالگران اجنبی، در غیاب یک رهبری انقلابی، همیشه از سوی رهنمائی سودا شده است که نماینده ارتجاعی ترین افکار بودند و منافع شان با سایر کشورهای غارتگر گره خورده است. به طور مثال رهبری جنگ مقاومت در برابر اشغال سوسیال امپریالیزم شوروی در دست عناصری افتاد که دست پرورده امپریالیزم غرب و رژیم های ارتجاعی عرب و غیر عرب بودند. به همین دلیل نیز بود که پس از خروج روس ها از افغانستان سرنوشت کشور ما به دست سازمان های استخباراتی منطقه و غرب رقم زده شد.

این دو سازمان مربوط به چپ انقلابی افغانستان به رسالت تاریخی خود آگاه اند و می دانند که تنها خلق و فقط خلق بسیج شده و سازمان یافته تحت رهبری ستاد مترقی و متعهد به آرمان های محروم ترین طبقات جامعه است که می تواند از عمق خود خشم و غریو فراینده زحمتکشان افغانستان در برابر اشغالگران ناتوئی، دولت دست نشانده کرزئی با ارتجاع متحدش و طالبان را، به سیل بنیان کنی تبدیل نماید تا این جرثومه های فاسد را از سر زمین خود برود و برخرابه آن بنیادی نوین برای آزادی، آبادی و ترقی اجتماعی بنا نهد. این دوسازمان هم‌رزم در بسر رساندن چنین رسالتی تا پای جان به مردم و وطن خود تعهد می سپارند.

به پیش در جهت ایجاد ستاد رهبری انقلاب مردم!

به پیش به سوی انسجام و سازماندهی جنبش انقلابی خلق!

به پیش در جهت ایجاد جامعه فارغ از هرگونه ستم و استثمار!

سازمان انقلابی افغانستان

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما- ادامه دهندگان)

هفتم اکتوبر ۲۰۱۲